

فاتح المپیک آلمان غربی

بعد از المپیک رومانی، انقلاب می شود و کشتی برای دو سال تعطیل می شود. در این مدت، پهلوان حسین تمرین کشتی را راه نمی کند و هم زمان به فکر ازواج هم می افتد. بعد از شروع کشتی، پهلوان حسین در مسابقات لیگ شرکت می کند و در اکثر آن ها مقام می آورد. سال ۱۳۵۹ المپیک آلمان غربی پیش می آید: «این بار در مسابقات انتخابی المپیک آلمان غربی در رشته فرنگی مسابقه دادم. نفر اول شدم و ما را به آلمان اعزام کردند. تمرینات خوبی کرده بودم و از هیچ کسی باکی نداشتم. پی در پی تمام حریفانم را شکست دادم و توانستم مدال طلای المپیک ناسیونال رشته فرنگی در وزن ۵۴ کیلوگرم را برای کشورم کسب کنم.»

تهرانی هم حضور داشت که برای تاریخ تکرار می شود. در این مسابقات، یک کشتی گیر فدراسیون از او قطع امید می کنند و به پهلوان حسین می گویند که در رشته آزاد می شرکت کند. او باز همان جملات المپیک رومانی را به مسئولان فدراسیون می گوید و می گوید: «به خاطر شرکت در کشتی فرنگی خسته بودم ولی باتوکل به خدا در مسابقه شرکت کردم و توانستم تمام حریفانم را ببرم و این بار برخلاف المپیک

در خدمت شهید رجبی

بعد از کسب دو مدال طلا در المپیک، پهلوان حسین به مشهد بازمی گردد و با استقبال خانواده و کارکنان شرکت نان رضوی روبه می شود. شرکت نان رضوی به او ارتقای کاری می دهد و از کارگری به کارمندی ترفیع می یابد: «سه هفته بعد از رسیدن به مشهد به ما اطلاع دادند که برای دیدار با رئیس جمهور رجبی به تهران بیایید. به دفتر ریاست جمهوری در تهران رفتیم و آنجا آقای رجبی به ما سخنرانی کرد و نفری یک نیم سکه به همه پاداش داد. پادم نمی رود که جایی برای زمین پهن کردند و ایشان همراه ما چهارزانو بر روی زمین نشستند و با ما ناهار خوردند. در این دیدار تیم ملی کشتی یکصد از رجبی می خواهند که یک وعده ملاقات با امام خمینی داشته باشند و او نیز قول ملاقات حضوری با رهبر را به آن هائی دهنده ولی ترور رجبی و شهادت وی، مانع پیگیری این قول می شود.

پیروزی بایستی شکسته

پس از المپیک آلمان غربی، نوبت به المپیک آمریکا در سال ۱۳۶۳ می رسد که ایران به علت دشمنی آمریکا با ایران و کمکش به صدام در میدان جنگ، این المپیک را تحریم می کند. در سال بعد نیز مسابقات کشتی جهانی در شوروی عقبت در سال ۶۷ المپیک در کشور نیوزیلند برگزار می شود و پهلوان حسین این بار در وزن ۵۲ کیلوگرم در کشتی فرنگی شرکت می کند و مسابقه دادم و متاسفانه بینی ام ضربه خورد و خون آمد. داور، من را از هستم، مسابقه منع کرد ولی من که می دیدم چند امتیاز از حریف جلوتر دادم و این بار هم مدال طلای المپیک اولیه پزشکی بالاخره کشتی را ادامه قهرمانی در المپیک نیوزیلند این بار تیم ملی به خدمت مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهور بود، می روند و نماز ظهر را به امامت ایشان اقامه می کنند.

دیدار با رهبر / سال ۱۳۶۸



دیدار با آیت... واعظ طبسی



استقبال از قهرمانان / مرداد سال ۱۳۵۶



خدا حافظی با کشتی

سال ۶۸ پهلوان حسین به علت بالا رفتن سن از کشتی خدا حافظی می کند و تا سال ۱۳۸۹ به عنوان مربی تیم ملی جوانان و همچنین تیم کشتی خراسان رضوی مشغول فعالیت می شود. بعد از سال ۱۳۸۹ به علت تغییر مدیریت فدراسیون کشتی می شود. بعد حسین دل خوشی از روزگار ندارد و از مسئولانی که او را فراموش کرده اند ناراحت است: «تنها نهادی که به یاد من بود، تربیت بدنی و کشتی می گرفتیم، از پاداش هیچ خبری نبود و الان جز حقوق باز نشستگی ای که از کارخانه نان قدس رضوی می گیرم، مال و منالی ندارم.»

حقم را خوردند

حوالی سال ۹۰ است که از طرف دولت به او زنگ می زنند و می خواهند او را به پاس قدردانی به مکه اعزام کنند. به او قول قطعی می دهند که نامش برای اعزام به حج، رد شده است: «من همان سال برای تشریف به حج، نام خود و همسر را در بانک ملت نوشته بودم. آن ها گفتند چون شما اسمال برای حج ثبت نام کرده اید، ما نمی توانیم نامتان را در لیست خود وارد کنیم. بهتر است از ثبت نام خود انصراف دهید تا ما کارهای اعزام شمارا پیگیری کنیم.» پهلوان حسین دل به وعده های آنان خوش می کند و از ثبت نام انصراف می دهد به امید که به عنوان تقدیر از نیمی کنند و به جای او کس دیگری را به مکه می فرستند. همسر و دختر پهلوان حسین نیز مجبور می شوند به تنهایی و بدون او به مکه بروند.

